

تحلیل الگوهای مکانی - زمانی بزهکاری در مناطق شهری

(مطالعه موردی: جرایم سرقت به عنف و شرارت و باج‌گیری در بخش مرکزی شهر تهران)

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۸۹/۵/۱

محمد بارانی^۱، محسن کلاتری^۲، کاظم جباری^۳

چکیده

هدف: رشد بی‌رویه جمعیت در مناطق شهری موجب بروز مشکلاتی چون افزایش بزهکاری، حاشیه‌نشینی، بحران مسکن، شرایط نامطلوب کار، مسائل زیست‌محیطی، حاشیه‌نشینی و ... گردیده است. یکی از مسائل مهم در شهرهای ایران امروز، افزایش میزان ناهنجاری‌های اجتماعی و ایجاد حس ناامنی در بین شهروندان است. همچنین این امر موجب شده تا طی چند دهه گذشته، توجه و علاقه فزاینده‌ای به تحلیل ابعاد مکانی - زمانی بزهکاری با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) به عنوان یکی از ابزارهای کنترلی پلیس در مناطق شهری پدیدار گردد. تحلیل‌های مکانی - زمانی دو بعد مهم از وقایع مجرمانه است. این نوع تحلیل، اطلاعات ارزشمندی را برای حل مسایل و پاسخ به مشکلات امنیتی و انتظامی تدارک می‌بیند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل مکانی و زمانی ارتکاب جرایم در بخش مرکزی شهر تهران انجام گرفته است.

روش: روش پژوهش با توجه به موضوع و پرسش‌های تحقیق، ترکیبی از روش‌های توصیفی، تطبیقی و تحلیلی است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل‌های آماری و گرافیکی استفاده شده است. جامعه آماری مطالعه حاضر، مجموعه جرایم ارتکابی سرقت به عنف و شرارت و باج‌گیری است که در دوره زمانی پژوهش در محدوده بخش مرکزی شهر تهران واقع شده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد وقوع جرایم سرقت به عنف، شرارت و باج‌گیری در بخش مرکزی شهر تهران از الگوهای مکانی و زمانی خاصی پیروی می‌کند و بیشتر جرایم در روزهای شنبه، یکشنبه و چهارشنبه و غالباً روز و وقت اداری رخ می‌دهد. مرکز تمرکز و نقل این کانون‌ها در قسمت‌های مرکزی و شمال شرقی بخش مرکزی شهر تهران شکل گرفته است که این امر وضعیت نامساعد این مناطق را از نظر بزهکاری نشان می‌دهد.

نتایج: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین کانون‌های جرم خیز بخش مرکزی تهران در قسمت‌های مرکزی و شمال شرقی آن بخش قرار دارد.

واژگان کلیدی: الگوهای مکانی - زمانی / بزهکاری / شهر / سرقت به عنف / شرارت / باج‌گیری

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

۲- استادیار دانشگاه زنجان

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

مقدمه

شهرنشینی شتابان و رشد بی‌قواره شهری از پدیده‌های ناگوار در چند دهه اخیر است. این پدیده تا حد زیادی در نیمه دوم قرن بیستم در بیشتر کشورهای در حال توسعه اتفاق افتاده و به صورت پدیده‌ای جهان شمول درآمده است. در همین دوران، جمعیت شهر نشین جهان با بیست برابر افزایش از ۱۵۰ میلیون نفر در ابتدای قرن بیستم به بیش از ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون نفر در پایان قرن آن رسیده است (رضویان، ۱۳۸۱: ۱). این رشد بی‌رویه موجب بروز مشکلاتی چون افزایش بزهکاری، حاشیه‌نشینی، بحران مسکن، شرایط نامطلوب کار، مسائل زیست محیطی، حاشیه‌نشینی شده است. شهرهای بزرگ می‌توانند به توسعه انسانی یاری رسانند، اما از بسیاری جنبه‌ها محدود کننده توسعه انسانی هستند. شهرها اگرچه مرکز تنوع، فراوانی و نعمت هستند با این حال منشأ فقر، جرم و جنایت و انواع ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌ها و افول ارزش‌های انسانی نیز هستند. این ویژگی‌ها، شهرها را با مشکلات و مسائل متعددی مواجه کرده است.

هر فرد متناسب با زمان و مکان زندگی و با توجه به کنش‌های فردی و اجتماعی با کسانی در تعامل است که به شیوه اجتماعی همانند او زندگی می‌کنند. بنابراین، ایفای کارکردهای اساسی، و همچنین تأثیر متقابل بین فرد، اجتماع و محیط پیرامون او در این فضا قرار دارد. آنچه در بررسی جغرافیای جرایم شهری اهمیت دارد، رابطه فضا و محیط شهری با رفتارهای اجتماعی از نوع منفی و ناهنجار آن است. در واقع این موضوع که در چند دهه اخیر به مطالعات جغرافیای شهری افزوده شده است، چارچوب علمی و عملی را برای تحلیل فضایی و مکانی جرم و مطالعه رابطه ناهنجاری‌ها با فضا و زمان در محدوده شهرها فراهم آورده است. در این مطالعات چگونگی پیدایش، کیفیت و نحوه پراکندگی اعمال مجرمانه در محدوده جغرافیایی شهر بررسی می‌شود و به کمک نمایش فضایی اعمال مجرمانه و تلفیق این اطلاعات با داده‌های مکانی محل ارتکاب جرایم و شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی مجرم و

محل سکونت او، شناسایی کانون‌های جرم خیز^۱، پیش بینی محل‌های احتمالی وقوع ناهنجاری در محدوده شهر فراهم می‌شود. در نهایت این اطلاعات به شکل مؤثری می‌تواند به کاهش میزان جرایم در سطح شهر و پیشگیری از بزهکاری و افزایش ایمنی کمک نماید (کلانتری، ۱۳۸۰: ۶۴-۶۳).

آنچه مسلم است، برخی مکان‌ها به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی ساکنان آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند؛ در مقابل، برخی مکان‌ها مانع و بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند. همین امر موجب می‌شود تا بزهکاران در انتخاب محل بزهکاری خود به دنبال کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند. بنابراین، شناسایی شرایط مکانی به وجود آورنده و تسهیل کننده این فرصت‌ها و ارائه رهنمود برای تغییر این شرایط و تبدیل آن به فضاهای مقاوم در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی^۲ از مهم‌ترین اهداف بررسی‌های جغرافیایی جرم و جنایت در شهرها محسوب می‌شود. از این رو، در این مطالعات سعی می‌شود ضمن بررسی توزیع فضایی و زمانی اعمال مجرمانه و تحلیل آن، وابستگی میان عوامل محیطی و شرایط اجتماعی- اقتصادی مکان‌های جرم خیز^۳ در محدوده‌های جغرافیایی مشخص شود. از طرفی با تهیه نقشه‌های بزهکاری، رابطه فضای زندگی و حوزه‌های اجتماعی شهر، با رفتارهای ناهنجار مشخص می‌شود و از این طریق پیش بینی احتمالی محل‌های وقوع انواع جرایم در برخی محدوده‌های شهر امکان پذیر می‌شود (همان، ۶۵).

علاوه بر تحلیل مکانی بزهکاری که بر اساس تکرار بزه و تمرکز آن در محدوده‌های خاص شهر انجام می‌گیرد، تحلیل زمانی کانون‌های جرم خیز نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. این بررسی بر پایه تغییرات نوع و میزان بزه در بستر زمان بر اساس معیارهایی چون کشف ارتباط و تغییرات در بین و میزان جرایم ارتكابی یک شهر در فصول مختلف یا ماه‌های مختلف سال، روزهای هفته و ساعات

1. Hot spots

2. Defensible space

3. Hotspots

مختلف شبانه روز انجام می‌گیرد. این تحلیل در بسیاری از موارد در شناسایی بهتر نقاط جرم خیز و الگوهای مختلف بزهکاری و همچنین پیشگیری بزهکاری به دست اندرکاران قضایی و انتظامی کمک می‌کند. علاوه بر این، ترکیب و تحلیل زمانی و مکانی بزهکاری امکان تحلیل های کامل تر و دقیق تر وقوع ناهنجاری های اجتماعی را فراهم می‌کند. چنانچه تحلیل مکانی محدوده های جرم خیز همانند گرفتن عکس از مقاطع مختلف زمانی باشد، تحلیل زمانی کنار یکدیگر قرار دادن این عکس هاست که در نتیجه همانند یک فیلم، پویایی و تغییرات محدوده های جرم خیز را در طول زمان (فصول، روزهای هفته و ساعات شبانه روز) نشان می‌دهد (توکلی، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۱).

در بین شهرهای کشور، شهر تهران از نظر مسایل اجتماعی- اقتصادی جایگاهی ویژه دارد. این شهر طی چند دهه اخیر با فاصله ای قابل توجه از دیگر شهرها رشدی شتابان داشته است. شهر تهران به عنوان پایتخت کشور و بزرگ‌ترین کلان‌شهر ایران به دلیل شرایط خاص کالبدی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر آن، با میزان بالای ناهنجاری‌های اجتماعی مواجه است. نکته مهم آنست که میزان جرایم ارتكابی در بخش مرکزی شهر تهران که به طور تقریبی بر منطقه ۱۲ و بخشی از مناطق ۱۱ شهرداری منطبق است و به تهران عهد ناصری شهرت دارد بسیار بیش از سایر مناطق شهر می‌باشد (کلانتری، ۱۳۸۸).

هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی و تحلیل مکانی - زمانی جرایم سرقت به عنف و شرارت و باجگیری در بخش مرکزی شهر تهران است .

پرسش های پژوهش عبارتند از:

- الگوهای مکانی - زمانی نوع و میزان جرایم مرتبط با سرقت به عنف و شرارت و باجگیری در محدوده بخش مرکزی شهر تهران چگونه است ؟
- آیا وقوع بزهکاری در بخش مرکزی شهر تهران تحت تأثیر نظام کاربری اراضی این محدوده از شهر است؟

مبانی نظری

عوامل متعددی در تحقق بزهکاری دخالت دارند. اما سه عنصر اساسی را می توان شالوده وقوع تمامی جرایم دانست: مجرم، قربانی و محل وقوع جرم. در صورت نبود هر یک از این عناصر، جرمی به وقوع نمی پیوندد (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۲). نگرش پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) رویکردی چند مرحله‌ای برای پیشگیری از وقوع رفتارهای بزهکارانه است. مطالعات جرم شناسی سال های اخیر، به سه رویکرد در زمینه پیشگیری از جرم در محیط ساخته شده معتقد است که "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" به عنوان اولین رویکرد، در این زمینه مطرح شده است. در این روش بر کاهش فرصت های جرم خیز (اشنایدر و پرسی، ۱۹۹۶) از طریق فنون و تکنیک های برنامه ریزی و طراحی شهری، تأکید می شود (رستمی، مدنی پور، ۲۰۰۶: ۹۳۳).

به نظر «جاکوبز» جرم و محیط نظام پذیر، قابل مشاهده و کنترل هستند، بنابراین مراقبت‌های معمولی ساکنان شهر مانع مهم بروز جرایم خواهد بود. مطالعات نشان می‌دهد برخی مشخصه‌های کالبدی مانند نوع خیابان، افزودن یک بنا یا فضای عمومی، تعداد واحدهای مسکونی یک ساختمان و کاربری های تجاری تأثیر مستقیمی در میزان جرایم شهری دارد. نوع کاربری و ساخت و ساز شهری در نوع و میزان جرایم مؤثر است. «جین جاکوبز» بیان می‌کند که یک خیابان شهری موفق، باید دارای سه ویژگی اصلی زیر باشد:

- مرز و محدوده: وجود یک مرز مشخص بین فضاهای عمومی و خصوصی و عدم نفوذ فضاهای عمومی و خصوصی در یکدیگر.
- احساس تعلق بیشتر بر فضای عمومی: مطلوب است چشم‌هایی مراقب خیابان و فضای عمومی شهر باشد.
- استفاده کنندگان دائمی: باید مسیرهای پیاده‌رو استفاده کنندگان دائمی داشته باشد، تا بر تعداد چشم‌های مراقب خیابان‌ها و فضاهای عمومی افزوده شود و افرادی که در ساختمان‌هایی در امتداد خیابان هستند، تمایل به دیدن پیاده‌رو داشته باشند (جاکوبز، ۱۹۶۱: ۳۵). برای نمونه، در انگلستان برای ارتقای امنیت در فضاهای عمومی

شهری، سیاست کاربری های مختلط تشویق شدند و مخلوطی از مشاغل کوچک، خانه ها و اداره ها در مراکز شهری و ایجاد آپارتمان ها در طبقات بالای مغازه ها در طرح ها اعمال شدند تا میزان فعالیت ها و در نتیجه امنیت را افزایش دهند.

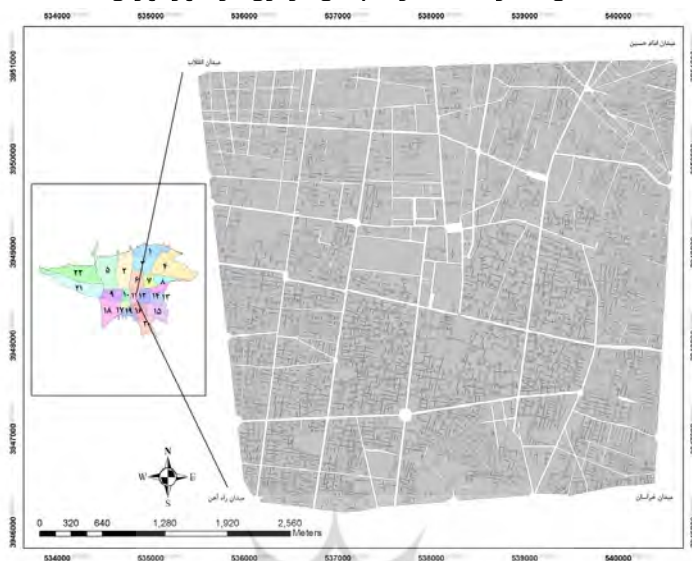
دیدگاه کانون های جرم خیز به وسیله " برگر " و " گارتین "، " شرمین " در سال ۱۹۸۹ مطرح شده است و بر پایه نوعی علت شناسی مکانی جرم استوار است. طبق این نظریه برخی محدوده ها یا نقاط خاصی از شهر به دلیل وجود برخی عناصر کالبدی، اجتماعی، اقتصادی جرم خیز ترند که گره های شهری (پایانه ها و ایستگاه های حمل و نقل شهری)، برخی گذرها و حاشیه شهرها دارای این خصیصه هستند (کلانتری، ۱۳۸۰: ۸۵).

از دیگر نظریات مکانی جرایم شهری می توان به نگرش جرم شناسی محیطی، نظریه ارتباط جرم با تراکم جمعیت، نظریه پنجره های شکسته، نظریه سفر مجرمانه، نظریه پیشگیری از جرم، نظریه طراحی در برابر جرم، نظریه فضای مقاوم در برابر جرم، نظریه فعالیت روزمره اشاره کرد (جباری، ۱۳۸۸: ۴۹-۲۸).

معرفی بخش مرکزی شهر تهران

بخش مرکزی شهر تهران دارای چهار میدان انقلاب، امام حسین، خراسان و راه آهن است. این بخش ۲۲۳۲ هکتار معادل ۴/۶ درصد از مساحت کل شهر تهران را در بر گرفته است (روحی، ۱۳۸۱: ص ۸۶). در شکل شماره ۱ محدوده بخش مرکزی شهر تهران نمایش داده شده است.

شکل شماره ۱: محدوده بخش مرکزی در شهر تهران



منبع: جباری، ۱۳۸۸

پیشینه پژوهش

پیرامون تأثیر محیط جغرافیایی بر ناسازگاری‌های اجتماعی مطالعات زیادی صورت گرفته است. توجه و علاقه به تحلیل فضایی- مکانی جرایم و به طور کلی بررسی رابطه مکان و جرم طی چند سال اخیر و بویژه در دهه پایانی قرن گذشته در محافل علمی جهان افزایش یافته است (انسلین وهمکاران، ۲۰۰۰: ۲۱۳). به نظر می‌رسد ایده‌های اولیه بررسی محدوده‌های جرم خیز شهری در نتیجه ترسیم نقشه‌های پونزی^۱ که تهیه آن در ادارات پلیس به شیوه دستی از حدود ۲۰۰ سال پیش مرسوم شده است، شکل گرفته باشد. از آنجا که توزیع جرایم در محدوده جغرافیایی تابعی از شرایط مکانی محل وقوع بزه، عامل زمان، انگیزه و توانایی بزهدکار و نحوه پراکندگی اهداف مجرمانه است. بنابراین، نشان دادن وقایع مجرمانه بر روی نقشه شهرها با پونز یا علائم رنگی این نتیجه را دربرداشت که آیا توزیع بزهدکاری به تمرکز و تراکم در

1. Pin Maps

محدوده ای خاص و بعضاً بخش های کوچکی از سطح شهر گرایش دارد یا این توزیع پراکنده است و از الگویی خاص پیروی نمی کند، گرچه حدس فوق دور از واقعیت به نظر نمی رسد و احتمالاً طی ۱۰۰ سال اخیر تحلیل های ساده محدوده های جرم خیز شهری به وسیله پژوهشگران جرایم شهری یا افسران پلیس صورت گرفته است (وایزبرد و همکاران، ۲۰۰۴: ۱). لیکن به طور مشخص پژوهش در این زمینه را «شرمن»، «گارتین» و «برگر» در سال ۱۹۸۹ انجام دادند و برای نخستین بار واژه کانون های جرم خیز توسط آنها مطرح شد. «شرمن» و همکارانش در مطالعه شهر مینیاپولیس دریافتند ۵۰ درصد تماس های تلفنی با پلیس تنها از ۳/۳ درصد کانون های جرم خیز شهری انجام گرفته است (شرمن و دیگران، ۱۹۸۹: ۳۷). از آن پس تحقیق شرمن و همکاران او و نتیجه قابل تأمل پژوهش آنها مورد توجه سایر پژوهشگران قرار گرفت و موجب شد تا تحقیقات زیادی در مورد شهرهای دیگر جهان و بویژه در کشورهای توسعه یافته صورت گیرد که تمامی این مطالعات نتایج مشابهی داشته است و مطالعه کانون های جرم خیز شرمن و همکارانش را تأیید کردند. این مطالعات نشان داد، تعداد قابل ملاحظه ای از جرایم تنها در مکان های معینی از شهر تمرکز می یابد.

“پل و پاتریشا برانتینگهام”^۱ براساس پژوهشی که در سال ۱۹۸۱ در خصوص توزیع فضایی جرم با توجه به نوع کاربری ها در شهرها انجام دادند، دریافتند فعالیت های غیرقانونی بیشتر در نزدیکی شریان های اصلی حمل و نقل و شاهراهها متمرکز است و همچنین در مسیرهای بین میادین و چهارراهها که دارای عملکردهای گوناگون هستند، میزان بسیار بالایی از جرایم اتفاق می افتد (کلارک، ۱۹۹۷: ۱۵).

در پژوهش دیگری که توسط «آناستازیا لاوکی تاو سایدیریس، رابین لیگت و هیرویوکی هیسکی»^۲ در سال ۲۰۰۲ صورت گرفت ارتباط میان محیط فیزیکی و اجتماعی و جرم عبوری در امتداد خط آهن لس آنجلس و ایستگاه های آن نشان داده

1. Poul and Patricia Brantingham

2. Anastasia loukaitou, Rabin liggett , Hiroyuki Hiseki

شد. این پژوهش ارتباط معنا دار میان بروز بزهکاری و استقرار ایستگاه‌های خط آهن و ویژگی‌های فیزیکی - اجتماعی ایستگاه‌ها و مکان‌های مجاور آنها را تأیید کرد (سایدیس و همکاران، ۲۰۰۲).

همچنین احمدی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در موسسه بین‌المللی علوم و مشاهدات زمینی انسخده هلند با عنوان «تهیه نقشه جرم و تحلیل فضایی» در سال ۲۰۰۳ از دو روش الف: ارزیابی بر مبنای جرم هر ناحیه ب: ارزیابی جرم بر مبنای تراکم جمعیت به شناخت کانون‌های جرم در منطقه ۱۲ تهران پرداخته است. نتایج این پژوهش با روش‌های یاد شده جهت کشف مکان مناسب برای ایجاد یک پاسگاه پلیس یا گشت زنی در کانون‌های جرم به منظور کاهش جرم آمده است (احمدی، ۲۰۰۳).

در سال ۲۰۰۴ «جری رادکلیف»^۱ در مقاله‌اش فنونی را برای شناخت ترکیب فضایی و زمانی کانون‌های جرم خیز و تحلیل زمانی و مکانی کانون‌های جرم خیز استفاده کرد. پژوهش‌های وی به فرماندهان پلیس کمک کرد تا برای مقابله با بزهکاری و تعیین یک راهبرد مناسب برای پیشگیری از جرم اقدام کنند (رادکلیف، ۲۰۰۴).

در ایران نوشته‌های علی حسین نجفی ابرند آبادی در مورد جرم‌شناسی، همچنین پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری محسن کلانتری با عناوین «بررسی نقش محیط جغرافیایی در وقوع جرم مورد مطالعه قاچاق مواد مخدر در شهر تهران» و «بررسی جغرافیای جرم و جنایت در مناطق شهر تهران» و پایان‌نامه کارشناسی ارشد مریم عبدلهی با عنوان «پیشگیری جرم از طریق برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری مورد مطالعه جرم سرقت در شهر زنجان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد سمیه قزلباش با عنوان «تحلیل فضایی ناهنجاری‌های اجتماعی در مناطق اسکان غیر رسمی مورد مطالعه منطقه بیسیم زنجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جلال کامران نیا با عنوان «تحلیل الگوهای فضایی و آینده‌نگری جرم در شهر شیراز» و پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «فضاهای بدون دفاع» از پودراتچی

1. Jerry H.Ratcliffe

قابل ذکر است که این مطالعات بیشتر در حیطة بررسی نقش محیط جغرافیایی در وقوع بزهکاری و با هدف تحلیل مکانی جرایم انجام شده است.

از جمله پژوهش های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر «شناسایی و تحلیل کانون های جرم خیز شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) است که نشان می دهد بیشترین کانون های جرم خیز این شهر در مناطق اسکان غیررسمی که جزء محدوده های پرازدحام و متراکم شهر است، شکل گرفته است. این محدوده ها دارای ساختار کالبدی نامناسب و با امکان کنترل کمتر می باشند. همچنین بخش مرکزی این شهر (C.B.D) محل تمرکز برخی جرایم همچون سرقت از مغازه و مراکز تجاری است.

یافته های پژوهش جباری (۱۳۸۸) با عنوان "شناسایی و تحلیل فضایی کانون های جرم خیز شهری با استفاده از GIS مطالعه موردی بخش مرکزی تهران"، نشان می دهد با وجود اینکه این بخش از شهر تنها ۴/۶ درصد مساحت شهر را به خود اختصاص داده بیش از ۱۱/۵ درصد وقایع مجرمانه شهر تهران در این محدوده رخ داده است. بررسی نوع و ترکیب کاربری اراضی در محدوده بخش مرکزی شهر تهران نشان می دهد که بیشترین جرایم در مجاورت این کاربری ها (تجاری و اداری ۵۴/۸ درصد، مسکونی ۲۴/۳ درصد) به وقوع پیوسته است. بالا بودن میزان کاربری تجاری و اداری در این محدوده از شهر و به تبع آن مراجعه برای کار و فعالیت در این محدوده در شکل گیری کانون های جرم خیز مؤثر بوده است، زیرا این محدوده از شهر دارای تراکم بالایی از نظر کاربری تجاری و اداری است. در این خصوص پژوهش روحانی (۱۳۸۸) با عنوان "شناسایی و تحلیل فضایی کانون های جرم خیز شهر کاشان" و پژوهش الهام عباسی (۱۳۸۷) با عنوان "شناسایی و تحلیل فضایی کانون های بزه سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر در شهر قزوین" موبد یافته های توکلی در خصوص شهر زنجان است.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش با توجه به موضوع و پرسش و فرضیه پژوهش، ترکیبی از روش‌های توصیفی، تطبیقی و تحلیلی به کار گرفته شده است. برای تحلیل آماری و گرافیکی داده‌های بزهکاری از نرم‌افزارهای سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و نرم‌افزار جانبی Crime Analysis در محیط Arcview و «Case» در محیط ArcGIS استفاده شده است. علاوه بر آزمون‌های آماری، برخی روش‌های آماری گرافیک مینا از جمله روش تخمین تراکم کرنل به کار گرفته شده است. همچنین داده‌های مربوط به جرایم مورد مطالعه به صورت وقایع نقطه‌ای در محدوده قانونی شهر تهران و بخش مرکزی این شهر در نظر گرفته شده است. در این ارتباط جرایم وقوع یافته در خیابان‌ها و معابر با استفاده از تحلیل مجاورت در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی برای نزدیک‌ترین کاربری مجاور هر بزه در نظر گرفته شد.

جامعه آماری این پژوهش مجموعه جرایم سرقت به عنف و شرارت و باج‌گیری بوده است که در دوره زمانی پژوهش یعنی از تاریخ ۱۳۸۷/۱/۱ تا ۱۳۸۷/۱۱/۳۰ در محدوده بخش مرکزی شهر تهران به وقوع پیوسته است. جرایمی که به عنوان یک واقعه مجرمانه در مراکز انتظامی تهران بزرگ ثبت و برای آن پرونده و سابقه تشکیل شده است. نوع و درصد فراوانی این جرایم و توزیع نقطه‌ای محل وقوع آنها در جدول و نقشه شماره ۱ آورده شده است. داده‌های پژوهش به روش تمام شماری جمع‌آوری شده است و بر این اساس روش‌های نمونه‌گیری به کار گرفته نشده است. در جدول شماره ۱ نوع و میزان جرایم ارتكابی سرقت به عنف، شرارت و باج‌گیری در بخش مرکزی شهر تهران است.

جدول شماره ۱: نوع و میزان جرایم ارتكابی سرقت به عنف، شرارت و باجگیری در شهر و بخش مرکزی تهران (۱۳۸۷/۱/۱ تا ۱۳۸۷/۱۱/۳۰)

| نوع جرم | تهران بزرگ | تهران بزرگ | بخش مرکزی | بخش مرکزی |
|--|------------|------------|-----------|-----------|
| | فرآوانی | درصد | فرآوانی | درصد |
| کیف قاپی توسط موتور سوار | ۲۴۷۰ | ۵۲/۶ | ۳۶۲ | ۶۲/۸ |
| کیف قاپی توسط افراد پیاده | ۲۷۶ | ۵/۸ | ۳۴ | ۵/۹ |
| کیف قاپی توسط خودرو سوار | ۹۴ | ۲ | ۲ | ۰/۳۴ |
| سرقت به عنف (سرقت خودرو، قطعات و لوازم خودرو، موتورسیکلت) | ۴۶ | ۰/۹۷ | ۱ | ۰/۱۷ |
| سرقت به عنف (سرقت مغازه، شرکت، کارخانه، کارگاه و اثاثیه منزل) | ۲۶ | ۰/۵۵ | ۲ | ۰/۳۴ |
| سرقت به عنف (سرقت تلفن همراه، اقلام خرد، طلا و جواهر، احشام و سایر) | ۹۴ | ۲ | ۹ | ۱/۶ |
| سرقت به عنف (مسلحانه از اماکن تجاری، طلا و جواهر فروشی، شرکتها، خودرو، احشام و سایر) | ۴۳ | ۰/۹۱ | ۱ | ۰/۱۷ |
| سرقت به عنف (جیب بری، دخل زنی، کش و روزنی، کف زنی، کیف زنی) | ۳۰۴ | ۶/۴۷ | ۶۱ | ۱۰/۶ |
| شرارت و باجگیری (با ورود زوری به منزل) | ۳ | ۰/۰۶ | - | ۰ |
| شرارت و باجگیری (در پوشش مسافر) | ۹۲ | ۱/۹۵ | ۱ | ۰/۱۷ |
| شرارت و باجگیری (با توقف ماشین) | ۴۲ | ۰/۸۹ | ۳ | ۰/۵۲ |
| شرارت و باجگیری (در پوشش مأمور) | ۲۶ | ۰/۵۵ | ۱ | ۰/۱۷ |
| شرارت و باجگیری (سایر موارد) | ۱۱۷۸ | ۲۵/۰۹ | ۹۹ | ۱۷/۲ |
| جمع | ۴۶۹۴ | ۱۰۰ | ۵۷۶ | ۱۰۰ |

منبع: دفتر تحقیقات پلیس پیشگیری نیروی انتظامی تهران بزرگ و محاسبات نگارندگان (۱۳۸۸)

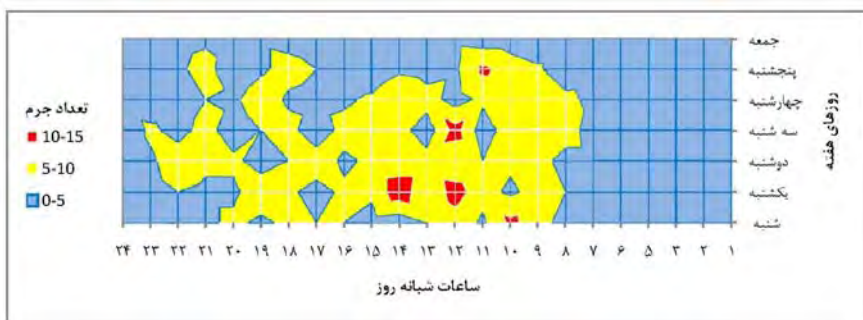
یافته‌ها

داده‌های این پژوهش از پرونده‌های کیفری نیروی انتظامی و واحدهای اجرایی مرتبط فرماندهی انتظامی تهران بزرگ از تاریخ ۸۷/۱/۱ لغایت ۸۷/۱۱/۳۰ استخراج شده است. در دوره زمانی یاد شده تعداد ۴۶۹۴ جرم مرتبط با سرقت به عنف، شرارت و باجگیری در محدوده شهر تهران به وقوع پیوسته است. از این میان تعداد ۵۷۶ فقره معادل ۱۲/۲ درصد در بخش مرکزی شهر تهران رخ داده است. به منظور تحلیل

فضایی و جغرافیایی جرایم ارتكابی ابتدا محل وقوع این جرایم به صورت نقاط منفرد در پایگاه داده مکانی تشکیل و با استفاده از مدل‌های تحلیلی آماری و گرافیکی، الگوی فضایی این جرایم در بخش مرکزی شهر تهران استخراج و مورد تحلیل قرار گرفت.

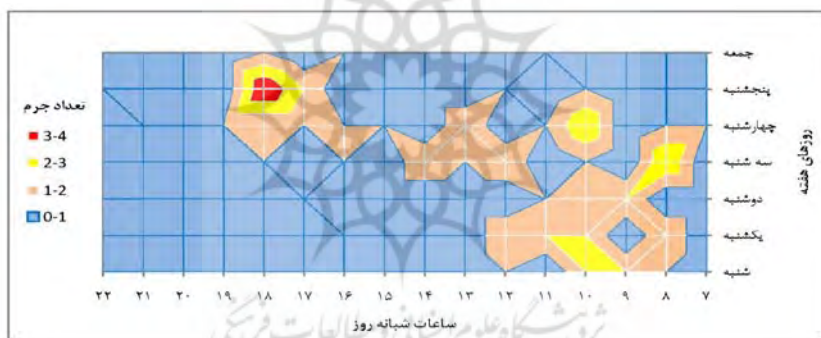
از بین مجموع جرایم مورد بررسی، بزه کیف قاپی توسط موتور سوار با فراوانی ۳۶۲ فقره معادل ۶۲/۸ درصد کل جرایم بیشترین وقوع را در این بخش از شهر دارد. بزه سایر موارد شرارت و باج‌گیری با ۹۹ فقره معادل ۱۷/۲ درصد، و جرایم جیب‌بری، دخل زنی، کش و روزنی، کف زنی، کیف زنی با فراوانی ۶۱ فقره معادل ۱۰/۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارد. همچنین در میان جرایم مورد بررسی بزه شرارت و باج‌گیری در پوشش مسافر و مأمور، سرقت مسلحانه از اماکن تجاری، طلا و جواهر فروشی، شرکت‌ها، خودرو، احشام و سایر، سرقت خودرو، قطعات و لوازم خودرو، موتور سیکلت با فراوانی ۱ فقره معادل ۰/۱۷ درصد کمترین میزان وقوع را داشته‌اند. تحلیل الگوهای زمانی وقوع جرایم مربوط به سرقت به عنف، شرارت و باج‌گیری در روزهای هفته و ساعات شبانه روز نشان می‌دهد که در روزهای شنبه ساعت ۱۰ صبح، یکشنبه ساعات ۱۱/۳۰ تا ۱۲/۳۰ و ۱۳/۳۰ تا ۱۴/۳۰، چهارشنبه ساعات ۱۱/۳۰ تا ۱۲/۳۰ و پنجشنبه ساعات ۱۱ زمان اوج وقوع جرایم مورد بررسی با فراوانی ۱۰ تا ۱۵ رویداد در این ساعات و روزها بوده است. گرایش کلی وقوع این جرایم روزهای شنبه تا چهارشنبه و در ساعات کار و فعالیت مردم بیشتر بوده است.

شکل شماره ۲: توزیع زمانی وقوع جرایم مربوط به سرقت به عنف، شرارت و باج‌گیری در روزهای هفته و ساعات شبانه روز در بخش مرکزی شهر تهران



(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۸۸)

شکل شماره ۳: توزیع زمانی وقوع جرایم جیب‌بری، دخل‌زنی، کیش و روزنی، کف‌زنی و کیف‌زنی در روزهای هفته و ساعات شبانه روز در بخش مرکزی شهر تهران



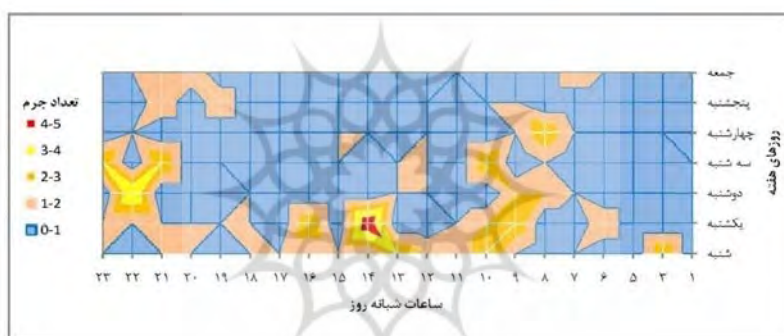
(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۸۸)

تحلیل زمانی جرایمی که بیشترین فراوانی را در بخش مرکزی شهر تهران داشته‌اند نشان می‌دهد در بین جرایم مورد بررسی، جرایم جیب‌بری، دخل‌زنی، کیش و روزنی، کف‌زنی و کیف‌زنی در روزهای پنجشنبه و ساعت ۱۷/۳۰ تا ۱۸ نقطه اوج وقوع آنها با ۳ تا ۴ مورد بزهکاری در این ساعت و روز است. به نظر می‌رسد علت بالا بودن نرخ جرایم در این ساعت و روز حضور بیشتر مردم برای خرید در روزهای آخر هفته و ساعات عصر در مراکز تجاری بخش مرکزی بوده است. این امر

فرصتی مناسب برای بزهکاران به وجود آورده است تا در این ساعات و در شلوغی رفت و آمد، قربانیان خود را انتخاب و بزه خود را انجام دهند.

زمان اوج و مرکز ثقل زمانی وقوع سایر جرایم شرارت و باج‌گیری در بخش مرکزی شهر تهران در ساعت ۱۳/۳۰ تا ۱۴ و در روزهای یکشنبه با فراوانی ۴ تا ۵ رویداد بزه در هر ساعت و روز بوده است. بیشترین رخداد این بزه در ساعات اولیه صبح، ظهر و هنگام شب می باشد و در بین روزهای هفته روزهای شنبه تا سه شنبه بیشترین میزان وقوع را داشته است.

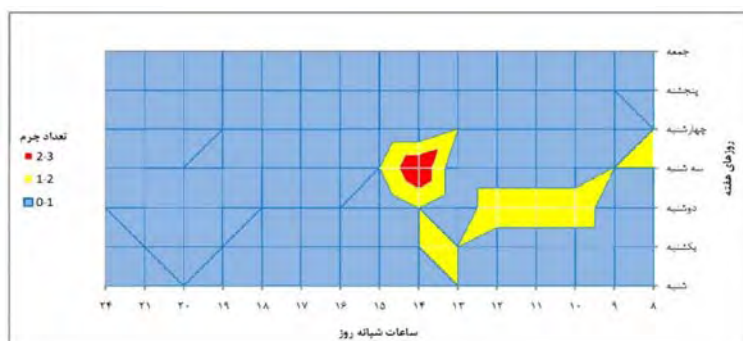
شکل شماره ۴: توزیع زمانی وقوع جرم شرارت و باج‌گیری (سایر موارد) در روزهای هفته و ساعات شبانه روز در بخش مرکزی شهر تهران



(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۸۸)

تحلیل زمانی جرم مربوط به کیف قاپی توسط افراد پیاده نشان می دهد که زمان اوج وقوع این بزه روزهای سه شنبه و در ساعات ۱۳/۳۰ تا ۱۴/۳۰ با فراوانی ۲ تا ۳ رویداد بزه در این ساعت و روز است. گرایش کلی این جرم در روزهای میانی هفته و در ساعات ۸ صبح تا ۱۵ عصر می باشد. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه از ساعت ۱۵ به بعد ارتکاب این دسته از جرایم در بخش مرکزی کاهش محسوسی داشته است که جای تأمل دارد.

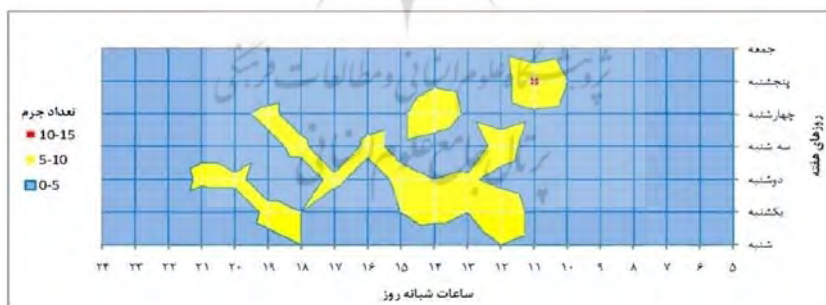
شکل شماره ۵: توزیع زمانی وقوع جرم مربوط به کیف قاپی توسط افراد پیاده در روزهای هفته و ساعات شبانه روز در بخش مرکزی شهر تهران



(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۸۸)

تحلیل زمانی وقوع جرم کیف قاپی در بخش مرکزی توسط موتور سوار نشان می‌دهد که زمان اوج وقوع این بزه روز پنجشنبه در ساعت ۱۱ با فراوانی ۱۰ تا ۱۵ رویداد بزه در هر ساعت و روز است. گرایش کلی به ارتکاب این جرم در روزهای یکشنبه، دوشنبه و پنجشنبه و از ساعات ۹ صبح تا ۲۱ شب بوده است.

شکل شماره ۶: توزیع زمانی وقوع بزه کیف قاپی توسط موتور سوار در روزهای هفته و ساعات شبانه روز در بخش مرکزی شهر تهران



(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۸۸)

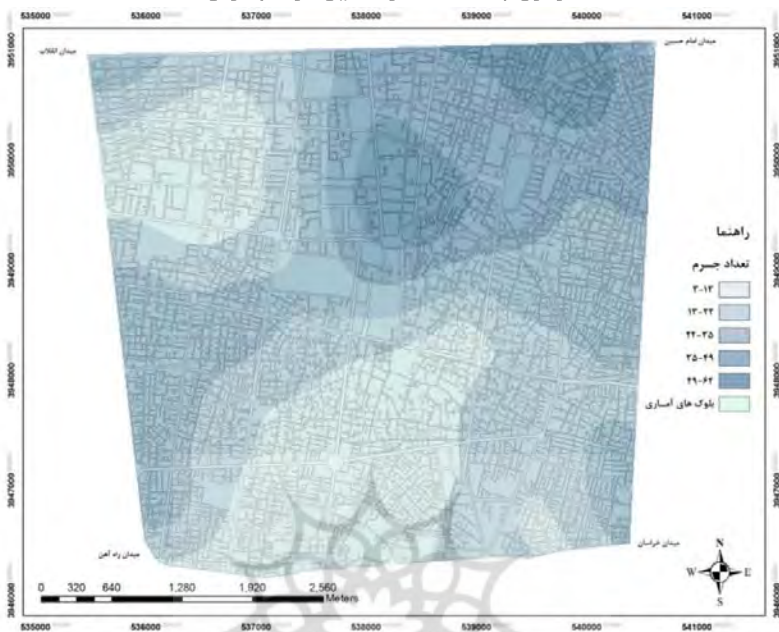
نکته حائز اهمیت اینکه جرم کیف قاپی توسط موتورسوار با میزان وقوع ۳۶۲ فقره معادل ۶۲/۸ درصد کل جرایم مورد بررسی در بخش مرکزی را به خود

اختصاص داده است و پراکندگی زمانی وقوع آن در ساعات اولیه صبح و اوایل شب است. این امر توجه و رسیدگی بیشتر مسئولان انتظامی را در خصوص کنترل و ساماندهی موتور سواران در این بخش از شهر تهران نشان می دهد.

تحلیل الگوهای مکانی بزهکاری

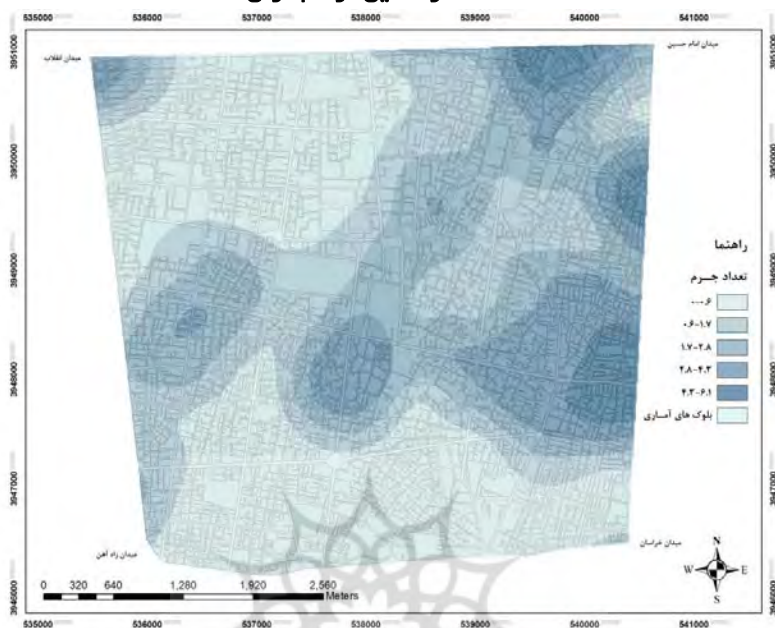
بررسی پراکندگی نقاط جرم مربوط به جرایم سرقت به عنف، شرارت و باج‌گیری در شکل شماره ۷ که با روش تخمین تراکم کرنل تهیه شده است نشان می دهد مهم‌ترین کانون این جرایم در میدان امام خمینی، خیابان فردوسی چهار راه استانبول تا میدان امام خمینی، چهار راه استانبول تا میدان بهارستان، خیابان امیرکبیر حد فاصل میدان امام تا تقاطع خیابان ملت بوده است. همچنین در میدان ابن سینا، خیابان مازندران، خیابان نامجو از تقاطع انقلاب تا تقاطع ابن سینا، خیابان روشندلان، خیابان برادران قائدی از خیابان ظهیرالاسلام تا تقاطع ابن سینا نیز کانون فرعی تر این جرایم شکل گرفته است. به نظر می رسد مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری این کانون‌ها وجود کاربری‌های تجاری و اداری نظیر بانک‌ها، صرافی‌ها و مؤسسات مالی، راسته‌های فرش فروشی و پوشاک، لوازم یدکی، عتیقه فروشی و... و مراجعه تعداد کثیری از مردم به این محدوده‌ها بوده است.

شکل شماره ۷: توزیع فضایی کانون های بزه سرقت به عنف و شرارت و باجگیری در بخش مرکزی با استفاده از تخمین تراکم کرنل



کیف قاپی توسط افراد پیاده: کیف قاپی توسط افراد پیاده با فراوانی ۳۴ مورد، ۵/۹ درصد کل جرایم محدوده بخش مرکزی شهر تهران را به خود اختصاص داده است. ملاحظه پراکندگی محل های وقوع این جرم در محدوده بخش مرکزی شهر تهران نشان از تشکیل چندین کانون این بزه دارد. تمرکز این جرایم در میدان انقلاب، میدان این سینا، بزرگراه شهید محلاتی از تقاطع خیابان ری تا خیابان ۱۷ شهریور، خیابان ۱۷ شهریور از خیابان گوته تا خیابان خراسان، میدان شهدا، چهار راه گلوبندک تا حوالی میدان محمدیه(اعدام)، خیابان ولیعصر نرسیده به میدان منیریه و خیابان اکباتان است. این کانون ها بیشتر در محدوده های تجاری و اداری بخش مرکزی به ویژه در محدوده بازار تهران شکل گرفته است.

شکل شماره ۸: توزیع فضایی کانون های بزه کیف قاپی توسط افراد پیاده در بخش مرکزی با استفاده از تخمین تراکم کرنل

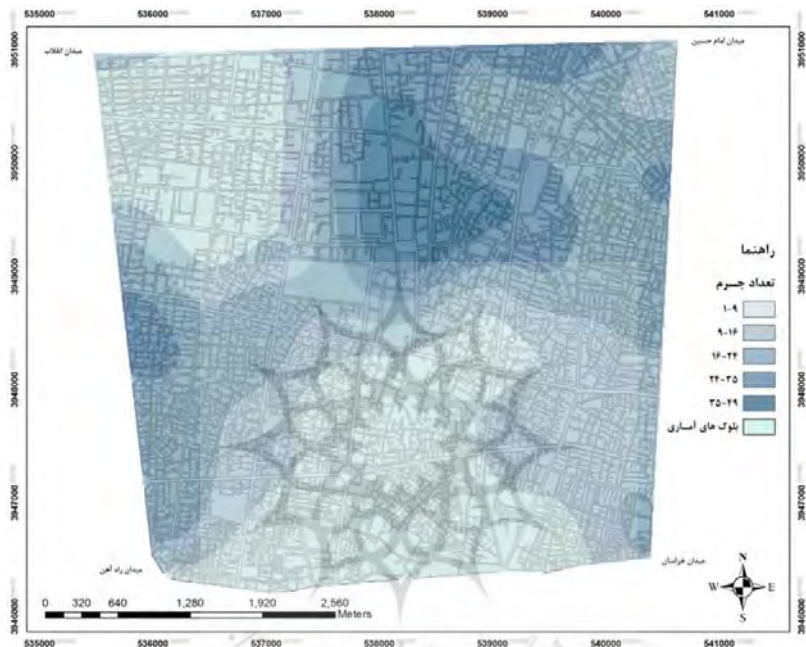


کیف قاپی توسط موتور سوار: بزه کیف قاپی توسط افراد موتور سوار بیشترین فراوانی جرایم (۳۶۲ مورد معادل ۶۲/۸۱ درصد کل جرایم) را در بخش مرکزی تهران به خود اختصاص داده است. بیش از نیمی از جرایم بخش مرکزی شهر تهران مربوط به این بزه است که وضعیت بحرانی و حاد وقوع این بزه را در این محدوده از شهر نشان می دهد.

بررسی مکان های تجمع این بزه در شکل شماره ۹ بیانگر شکل گیری کانون اصلی این جرم در میدان امام خمینی، خیابان فردوسی از تقاطع منوچهری تا انتهای خیابان باب همایون، خیابان اکباتان، خیابان امیرکبیر از میدان امام تا نرسیده به چهارراه استانبول تا میدان استقلال، خیابان سعدی از میدان استقلال تا میدان امام و خیابان ملت است. محدوده هایی که دارای بیشترین کاربری تجاری و اداری و مراجعه تعداد کثیری از مردم به این محدوده ها در ساعات فعالیت می باشند. به نظر می رسد وجود خیابان های عریض و قرار گرفتن کاربری های تجاری و اداری در این

معاير، نبود كنترل كافي بر موتور سواراني كه در پوشش موتورسوار وارد اين محدوده‌ها مي‌شوند و درصد ارتكاب بزهكاري هستند از جمله دلايل شكل گيري كانون‌هاي جرم خيز در اين محدوده است.

شكل شماره ۹: توزيع فضايي كانون‌هاي بزه كيف قاپي توسط موتور سوار در بخش مركزي با استفاده از تخمين تراكم كرنل

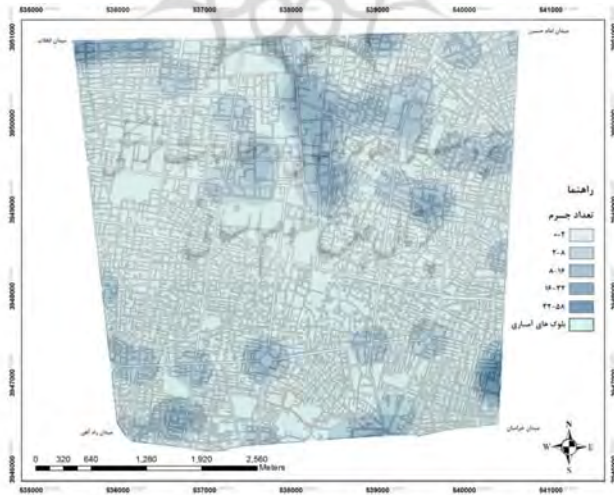


جيب بري، دخل زني، كش و روزني، كف زني، كيف زني: فراواني اين گروه جرايم فراواني ۶۱ فقره بزه معادل ۱۰/۶ درصد از كل جرايم مورد بررسي در محدوده بخش مركزي شهر تهران است. بررسي نحوه پراكندگي بزه جيب بري، دخل زني، كش روزني، كف زني، كيف زني در بخش مركزي شهر تهران از شكل گيري چندين كانون جرم خيز در خيابان انقلاب از ميدان انقلاب تا چهارراه وليعصر، خيابان فردوسي از خيابان منوچهري تا كوچه بانك تجارت، چهارراه استانبول تا ميدان استقلال، خيابان لاله زار نو از ميدان امام خميني تا خيابان جمهوري، سه راه امين حضور، پيچ شميران، ميدان خراسان و ميدان شوش را نشان مي دهد. محل وقوع

این گونه جرایم معمولاً در مکان های شلوغ و پر ازدحام، جلوی بانک ها و مراکز تجاری و میدان هاست. به نظر می رسد وجود مراکز تجاری و اداری و مالی و ازدحام جمعیت در این محدوده ها در طول روز از مهم ترین دلایل شکل گیری این کانون ها در بخش مرکزی شهر تهران است.

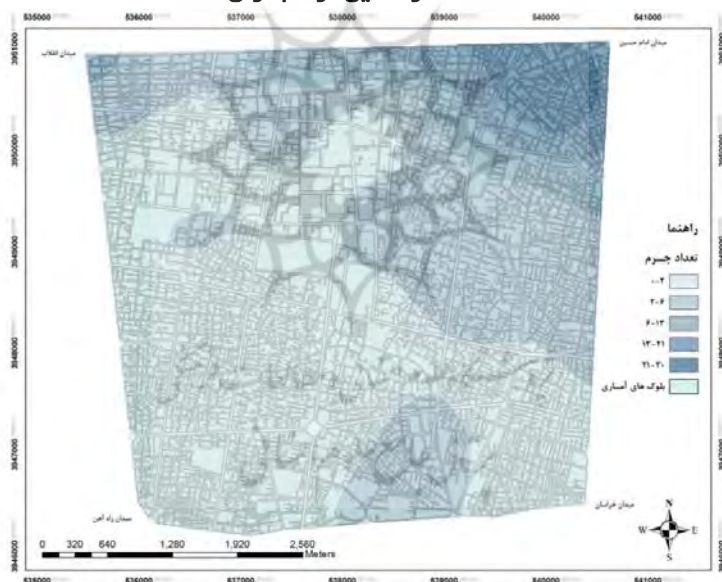
علاوه بر کانون های اصلی یاد شده چند کانون جزئی تر نیز در برخی محدوده ها و خیابان های بخش مرکزی شکل گرفته است. میدان محمدیه (اعدام)، میدان قزوین، میدان رازی (گمرک)، میدان راه آهن، تقاطع خیابان مولوی با خیابان ولیعصر، تقاطع خیابان مولوی با خیابان وحدت اسلامی، تقاطع خیابان مولوی با خیابان مصطفی خمینی، میدان قیام، تقاطع خیابان وحدت اسلامی با خیابان مختاری از جمله این محدوده هایی است که وقوع جرایم قابل توجه بوده است. در شکل شماره ۱۰ کانون های وقوع جرایم جیب بری، دخل زنی، کش و روزنی، کف زنی، کیف زنی آورده شده است.

شکل شماره ۱۰: توزیع فضایی کانون های بزه جیب بری، دخل زنی، کش و روزنی، کف زنی، کیف زنی در بخش مرکزی با استفاده از تخمین تراکم کرنل



سایر جرایم شرارت و باج‌گیری: سایر جرایم شرارت و باج‌گیری با فراوانی ۹۹ مورد، معادل ۱۷/۲ درصد از کل جرایم محدوده بخش مرکزی شهر تهران را به خود اختصاص داده است، بررسی نحوه پراکندگی این جرم در بخش مرکزی نشان می‌دهد محدوده میدان ابن سینا، خیابان نامجو از میدان ابن سینا تا خیابان انقلاب، خیابان برادران کفائی امانی، خیابان امیر عباس سادات، خیابان شهید همایون ناطقی، خیابان مازندران، خیابان روشندلان، مهم‌ترین کانون‌های وقوع این بزه بوده‌اند. همچنین کانون فرعی تری در اطراف کانون اصلی شکل گرفته است از وضعیت بروز این جرایم در شمال شرقی بخش مرکزی شهر تهران خبر می‌دهد باشد.

شکل شماره ۱۱: توزیع فضایی کانون‌های سایر جرایم شرارت و باج‌گیری در بخش مرکزی با استفاده از تخمین تراکم کرنل



تحلیل مکانی سایر جرائم سرقت به عنف و شرارت و باج‌گیری شامل جرایم کیف قاپی توسط خودروسوار، سرقت تلفن همراه، اقلام خرد، مغازه، شرکت، کارخانه، اثاثیه منزل، خودرو، قطعات و لوازم خودرو، موتور سیکلت، طلا و جواهر، احشام، سرقت‌های مسلحانه و شرارت و باج‌گیری با توقف ماشین، در پوشش مسافر و در

پوشش مأمور به دلیل توزیع تصادفی و یکنواخت این جرایم، حالت کانونی و متمرکز به خود نگرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

در هزاره جدید به دلیل گسترش شهرنشینی و پیدایش کلان‌شهرها، انواع مسائل و مشکلات شهری از جمله افزایش میزان بزهکاری نمود خاصی یافته است. پدیده‌ای که بشر با همه امکانات و پیشرفت‌های علمی، تاکنون نتوانسته آن را کنترل و افزایش آن را پیشگیری کند. در واقع بزهکاری پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط‌های اجتماعی مختلف به شکل‌های متفاوتی دیده می‌شود. منشأ این اختلافات را باید در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و نابسامانی‌های حاصل از آنها جست‌وجو کرد که در صورت وجود یک بستر مکانی و زمانی مساعد زمینه بروز جرم و تکرار آن را فراهم می‌کند و به مرور زمان یک محیط جغرافیایی را به یک کانون جرم‌خیز تبدیل می‌کند.

بررسی مشخصات کالبدی، خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان، نوع کاربری اراضی و کارکردهای اصلی این مکانها و سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل به وجود آورنده و تسهیل کننده فرصت‌های جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر ناهنجاری، بیش از پیش اهمیت یافته است تا امکان کنترل، پیشگیری و کاهش میزان ناهنجاری‌های شهری فراهم آید. با توجه به اینکه برخی ویژگی‌های محیطی و جغرافیایی در وقوع جرم مؤثر است؛ بنابراین با تغییر طراحی محیطی اعم از نحوه نورپردازی معابر، وجود مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، طراحی مناسب ساختمان‌ها و شهرسازی با برنامه، طراحی و مهندسی مناسب محیط و منظر، همچنین حضور و نظارت پلیس و به‌کارگیری تجهیزات، ابزار و فناوری‌های نوین در مقاطع زمانی خاصی بر یک مکان ویژه، می‌توان از وقوع بزهکاری در این مکان‌ها پیشگیری کرد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل الگوهای مکانی-زمانی وقوع جرایم سرقت به‌عنف، شرارت و باج‌گیری در بخش مرکزی شهر تهران انجام شده است. بر اساس تحلیل‌های زمانی نوع و میزان وقوع جرایم در محدوده

بخش مرکزی مشخص شد روزهای شنبه ساعت ۱۰ صبح، یکشنبه ساعات ۱۱/۳۰ تا ۱۲/۳۰ و ۱۳/۳۰ تا ۱۴/۳۰، چهارشنبه ساعت ۱۱/۳۰ تا ۱۲/۳۰ و پنجشنبه ساعت ۱۱ زمان اوج وقوع جرایم با فراوانی ۱۰ تا ۱۵ رویداد بزه در این ساعات و روزها است. از این رو، وقوع این جرایم بیشتر در روزهای شنبه و میانی هفته (یکشنبه تا چهارشنبه) و در ساعات کار و فعالیت مردم گرایش دارد.

همچنین برای شناسایی و تحلیل ویژگی‌های کانون‌های جرم‌خیز در بخش مرکزی از روش تخمین تراکم کرنل استفاده شد که از مناسب‌ترین روش‌ها برای به تصویر کشیدن داده‌های بزهکاری به صورت سطوح پیوسته است. بر اساس این روش مشخص شد در محدوده‌های میدان امام خمینی، خیابان فردوسی چهار راه استانبول تا میدان امام خمینی، چهار راه استانبول تا میدان بهارستان، خیابان امیرکبیر حد فاصل میدان امام تا تقاطع خیابان ملت کانون‌های بزه این دسته از جرایم شکل گرفته است. همچنین در میدان ابن سینا، خیابان مازندران، خیابان نامجو از تقاطع انقلاب تا تقاطع ابن سینا، خیابان روشندان، خیابان برادران قائد از خیابان ظهیرالاسلام تا تقاطع ابن سینا نیز کانون‌های دیگر بزهکاری شکل گرفته است که از نظر تجمع وقایع مجرمانه در مقایسه با سایر محدوده‌های بخش مرکزی از وضعیتی بحرانی‌تر و وخیم‌تری برخوردار می‌باشند. بررسی دقیق‌تر و جزئی‌تر کانون‌های جرم‌خیز بخش مرکزی شهر تهران نشان داد مرکز تمرکز و ثقل این کانون‌ها در قسمت‌های مرکزی و شمال شرقی بخش مرکزی شهر تهران شکل گرفته است که این امر وضعیت نامساعد این بخش را از نظر بزهکاری نسبت به سایر بخش‌های آن خبر می‌دهد. از آنجایی که مهم‌ترین کانون‌های جرم‌خیز بخش مرکزی شهر تهران در قسمت‌های مرکزی و شمال شرقی بخش مرکزی شهر تهران قرار دارد اتخاذ سیاست‌های مناسب توسعه شهری برای توانمندسازی و تعادل بخشی به این مناطق و رفع مشکلات و موانع ساختاری این محدوده‌ها، مهم‌ترین اولویت محسوب می‌شود که به صورت طرح‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بایستی اجرا شود. علاوه بر این اتخاذ راهبردهای مناسب مقاوم‌سازی فضاهای کالبدی این محدوده‌ها در برابر بزهکاری گام اساسی دیگری برای کاهش جرم در این مناطق است؛ بنابراین، به

عنوان یک راه‌حل مقطعی و کوتاه‌مدت و با توجه به بحرانی بودن وضعیت بزهکاری در این مناطق می‌توان برنامه منظم کنترل انتظامی و اعزام گشت‌های تخصصی با توجه به نوع و میزان جرایم در این حوزه‌ها را اجرا کرد. همچنین از دیگر راهکارها از بین بردن بی‌نظمی‌های کالبدی و به هم ریختگی فیزیکی مثل محله‌های کثیف، ساختمان‌های مخروبه، دیوارهای ترک خورده است که به نوعی باعث جذب بزهکاران و اعمال غیرقانونی آنها می‌شود. این محله‌ها که در آنها نشانه‌هایی از بی‌توجهی و خرابی وجود دارد، نشان می‌دهد ساکنان آن محله احساس آسیب‌پذیری بیشتری دارند و از مشارکت و محافظت اجتماع، خود را کنار کشیده‌اند. بنابراین، نظم و کنترل اجتماعی در آنها بسیار پایین است. این شاخص‌ها می‌توانند زمینه ایجاد جرم را فراهم کنند، زیرا نشان از آن دارند که ساکنان آن علاقه‌ای به مواجهه با بزهکاری ندارند تا خطر بزهکاری را در محل کاهش دهند.

منابع

۱. اشنایدر، تاد، (۱۳۸۵)، "پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی در مراکز آموزشی"، ترجمه سروش بهربر، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی
۲. توکلی، مهدی (۱۳۸۴)؛ شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
۳. جباری، کاظم (۱۳۸۸)، ارزیابی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز شهری با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) مورد مطالعه بخش مرکزی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی دکتر محسن کلانتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان.
۴. رضویان، محمد تقی، (۱۳۸۱)، برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، چاپ اول، تهران: انتشارات منشی.

۵. روحانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز شهری با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) مورد مطالعه شهر کاشان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی دکتر محسن کلانتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان.

۶. روحی، مهدی (۱۳۸۱)، بررسی تحولات کالبدی بخش مرکزی شهر تهران با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی، مورد منطقه یازده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت معلم.

۷. عباسی، الهام (۱۳۸۷)، شناسایی و تحلیل فضایی کانونهای بزه قاچاق مواد مخدر و سوء مصرف شهر قزوین با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی دکتر محسن کلانتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان.

۸. کلانتری، محسن، (۱۳۸۸)، طرح شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهر تهران با استفاده از GIS مورد مطالعه جرایم سرقت به عنف، شرارت و باجگیری، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.

۹. کلانتری، محسن، (۱۳۸۰)، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران. پایان‌نامه دوره دکتری رشته جغرافیا، گرایش برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی دکتر محمدتقی رهنمایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

۱۰. نیروی انتظامی تهران بزرگ، پلیس پیشگیری (۱۳۸۷).

11. Ahmadi, Mostafa, (2003), crime mapping and spatial analysis. For the degree master of science geoinformatics. International institute for geo-information science and earth observation enschede, the Netherlands.

12. Anselin, L, Cohen, Cook, D. Gorr, W. and tita, G. (2000) Spatial analysis of crime. In measurement and analysis of crime and justice. Edited by dearid dattce. Vol. 4 of criminal justice.

13. Clarke, Ronald V. (ed.). (1997). Situational Crime Prevention: Successful Case Studies (Second Edition). Albany, NY: Harrow and Heston.

14. Jacobs, Jane, (1961), "The Death and Life of Great American Cities", NY: Random House.

15. Ratcliff, j.H (2004) The Hot spots Matrix: A Framework for the Spatio temporal Targeting of Crime Reduction, police Practice and Research Vol.5, No 1, pp.5-23

16. Rostami Tabrizia, Lamyā., Madanipour, Ali, (2006), "Crime and the city: Domestic burglary and the built environment in Tehran", Habitat International, Volume 30, Issue4, Pages 932-944, Available at: <http://www.sciencedirect.com>. (2009.9.12)
17. Schneider, S, & Percy, P, (1996), "The theory and practice of crime prevention through environmental design" A literature review, Report for Canada Mortgage and Housing Corporation, Ottawa.
18. Sherman, L.W., Gartin, PR. and Buerger, ME (1989) Hotspots of Predatory Crime: Routine activities and the Criminology of place, Criminology, NO 27, p.27-55.
19. Sideris, Anastasia loukaitou, Rabin liggett, Hiroyuki hiseki, (2002), the geography of transit crime: Documentation and evaluation of crime incidence on and around the green line stations in los angeles, department of urban planning ,UCLA school of public policy and social research.
20. Weisburd, D.Cynthia Lum, Sue – Ming yang. (2004) Criminal Careers of Places: A Longtudinal Study, published by U.S.Department of Justice, National Institute of Justice

